

انشعاب طالبان و تشدید رقابت های استخباراتی در افغانستان

محمد اکرام اندیشمند

انشعاب گروه تروریستی طالبان به دو گروه رقیب با دو رهبر جداگانه، زمینه را برای تشدید رقابت و جنگ های استخباراتی در افغانستان مساعد می کند. در حالی که ملا اختر منصور در هشتم اسد سال روان 1394 به عنوان رهبر و یا امیر تحریک اسلامی طالبان معرفی گردید و محفل بیعت به او را سازمان استخبارات نظامی پاکستان (ISI) در شهر کویته سازمان دهی کرد، سه ماه بعد بخشی از طالبان در ولسوالی بگوای ولایت فراه، ملا رسول را به عنوان جانشین ملا عمر و رهبر طالبان معرفی کردند.

انشعاب در داخل طالبان با دو رهبری جداگانه حکایت از اختلاف شدید و عمیق درونی طالبان دارد. نکته اصلی مورد بحث و پرسش به تبعات و پیامد این اختلاف در بحران ثبات و جنگ افغانستان بر می گردد. آیا این اختلاف و انشعاب طالبان برای دولت افغانستان و پدیده صلح و ثبات در این کشور یک فرصت است یا چالش؟ تبعات و پیامد تفرقه و انشعاب در داخل طالبان با دو رهبری جداگانه به عنوان یک گروه تروریستی در حال جنگ با دولت افغانستان چیست؟ نفع و زیان پاکستان به خصوص سازمان استخبارات نظامی آن کشور (ISI) به عنوان بازیگر اصلی در پروژه و سناریوی طالبان و سایر سازمانهای امنیتی و استخباراتی کشور های همسایه و منطقه در جدایی و خصومت درونی طالبان چگونه ارزیابی می شود؟

بدون تردید، اختلاف و انشعاب در داخل طالبان زمینه را به تضعیف آنها در عرصه های نظامی و سیاسی مساعد می کند و ممکن است مقدماتی برای شکست و فروپاشی طالبان باشد. این اختلاف و اثرات تضعیف کننده آن فرصت بسیار خوبی برای دولت افغانستان فراهم می سازد تا طالبان را از لحاظ نظامی و کار استخباراتی بیشتر تضعیف کند و بستر شکست و فروپاشی آنها را با استفاده از این فرصت شکل دهد. اما سوال اصلی به این توانایی دولت بر می گردد. آیا افغانستان ظرفیت بهره گیری از این فرصت را دارد؟

به نظر نمی رسد که دولت افغانستان و سازمان استخبارات یا امنیت ملی، بتواند از اختلاف و انشعاب طالبان در جهت فروپاشی و سرکوبی این گروه تروریستی استفاده کند. ضعف و ناکامی های پیشین دولت و دستگاه استخبارات آن در مورد طالبان حکایت از چنین ظرفیت غیر موثر و ناتوان دارد؛

وقتی یک تروریست انتحاری طالبان به عنوان نماینده شورای رهبری طالبان در پایتخت افغانستان استادربانی رئیس شورای عالی صلح را با انجام عملیات انتحاری به شهادت می رساند که ممکن است طالبان و آی.اس. آی ماه های طولانی این عملیات را برنامه ریزی کرده باشند؛

زمانی یک دکاندار مقیم کویته به عنوان نماینده مذاکرات صلح طالبان مدت طولانی در کابل از سوی دولت و به خصوص نهاد استخباراتی آن میزبانی می شود؛

و زمانی که دولت افغانستان و دستگاه استخباراتی آن طی دو سال نمی تواند از مرگ رهبر طالبان آگاهی حاصل کند و رئیس جمهور غنی چند روز قبل از افشای این مرگ پس از ادای نماز عید قربان در ارگ کابل از پیام عیدی ملا صاحب

محمد عمر مجاهد که دوسال پیش مرده است ابراز امتنان می کند، چگونه میتوان امیدوار بود که دولت افغانستان از فرصت انشعاب طالبان در جهت تضعیف و فروپاشی آنها استفاده کند و گروه تروریستی طالبان را از مسیر صلح و ثبات افغانستان بر دارد؟

تشکیل مجلس طالبان در بیعت به ملا رسول در فراه، چالشی برای نظارت و کنترل پاکستان و سازمان استخبارات نظامی آن بر طالبان شمرده می شود. اگر آی.اس.آی بر این چالش غلبه حاصل نکند و تسلط خود را بر هر دو گروه اعمال نتواند، زمینه برای بازی استخبارات منطقه به خصوص استخبارات ایران و روسیه در بازی با کارت انشعابی طالبان ملا رسول مساعد می شود. به هر حدی که فاصله طالبان ملا رسول از طالبان ملا اختر و آی.اس.آی بیشتر و عمیق گردد، به همان حد کارت بازی با تروریستان ملا رسول در دستان سازمان اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و روسیه قرار می گیرد. برای جمهوری اسلامی ایران و روسیه که در میدان سوریه با داعش می جنگند، استفاده از کارت ملا رسول در مقابله با داعش احتمالی در افغانستان قابل توجه و مهم ارزیابی می شود. پیامد این وضعیت برای افغانستان، تشدید و گسترش رقابت و جنگ استخبارات منطقه ای در میدان افغانستان است که عمر بی ثباتی و جنگ را طولانی می سازد و بحران را عمیق و پیچیده می گرداند. اما راه جلوگیری از این بحران به ظرفیت و شایستگی دولت افغانستان بر می گردد تا از فرصت اختلاف و انشعاب طالبان در جهت تضعیف و شکست این گروه تروریستی استفاده کند. آیا این دولت چنین ظرفیتی را در سیاست و عملکرد سیاسی و امنیتی-نظامی خود می تواند ایجاد کند؟